



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
گروه آموزشی باستان‌شناسی و تاریخ

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد  
در رشته‌ی باستان‌شناسی

**عنوان:**

**ریشه‌یابی و بررسی پراکنش پیرهای مقدس در استان اردبیل؛ با تأکید بر فضاهای  
ساختاری**

استاد راهنما:

دکتر حبیب شهبازی شیران

استاتید مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سیف الله مدبر  
دکتر حسین نوین

پژوهشگر:

رویا اسمی

زمستان ۱۳۹۵

نام خانوادگی دانشجو: اسمی		نام: رویا
عنوان پایان‌نامه: ریشه‌یابی و بررسی پراکنش پیرهای مقدس در استان اردبیل؛ با تأکید بر فضاهای ساختاری		
استاد راهنما: دکتر حبیب شهبازی شیران		
اساتید مشاور: دکتر سیف الله مدبر و دکتر حسین نوین		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: باستان‌شناسی	گرایش: عمومی
دانشگاه: محقق اردبیلی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	
تاریخ دفاع: ۹۵/۱۲/۱	تعداد صفحات: ۱۶۲	
<p><b>چکیده:</b></p> <p>تأثیر وجوه اندیشه‌های گوناگون مذهبی در تاریخ فرهنگ ایرانی بر کسی پوشیده نیست. حضور اندیشه‌های عرفانی آن‌چنان بر وجوه مختلف فرهنگ ایرانی نفوذ داشته است که هنر ایرانی را هم در شکل و هم محتوا متأثر ساخته است. در این میان معماری مذهبی که همزمان با ظهور مساجد در فضاهای شهری شکل گرفت، شایان اهمیتی دوچندان در این زمینه است. در ایران به‌مانند تمامی سرزمین‌های دیگر، لزوم وجود فضاها و اماکن مذهبی در بین اقوام پیرو مذاهب مختلف در طول تاریخ؛ به‌عنوان جایگاهی برای نیایش احساس می‌شده است. در هر شهر و روستایی مقابری ساخته شده که از یک لحاظ مکان مذهبی و از طرف دیگر قبر شخص متوفی در آن دفن است. بعضی مقابر هم فقط برای شخص عارف و صوفی که در بین مردمان آن عصر احترام و جایگاه ویژه داشته ساخته شده است. شیوه‌های مختلف ساخت این مقابر از نظر ساختاری تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و مادی، راهی همگام با آیین‌ها و باورهای جامعه پیموده است. اردبیل یکی از استان‌های ایران است که به دلیل موقعیت خاص آن در قرون میانی دوره اسلامی مرکز تصوف و عرفان بوده است. مهم‌ترین ادوار ساخت مقابر منطقه اردبیل مربوط به سده‌های هفتم و هشتم هـ.ق / قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی می‌باشد. طی این دوره با توجه به مرکزیت حکومت ایلخانان در منطقه آذربایجان و توجه خاص سلاطین مغول به عرفا و مشایخ متصوفه، منطقه‌ی اردبیل به عنوان یکی از مراکز مهم تصوف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. اردبیل پایگاه فکری و مذهبی صفویان بود و از این نظر حائز توجه ویژه است. در چنین شهری با موقعیت چشمگیری که داشت، باید علما و صوفیه و دیگر قشرهای مرتبط با مسائل فرهنگی فعالیت داشته باشند، به همین جهت شماری از دانشمندان و بزرگان آذربایجان به این شهر منسوب‌اند و این شهر از مراکز عمده‌ی تصوف آذربایجان به شمار می‌رود. سه فاکتور بالا یعنی، اردبیل، جریان عرفان و تصوف و معماری فکر مطالعه و بررسی بناهای مرتبط با آن‌ها را در ذهن نگارنده تقویت نمود. هدف از این پژوهش بررسی و شناسایی اماکن مذهبی و مقدس اردبیل از منظر جریان عرفان و تصوف خواهد بود. در این راستا بناهایی مانند مجموعه شیخ صفی که خود شامل چندین بنای مجزاً بوده و سایر اماکن مقدس استان اردبیل که با جریان عرفان و تصوف در ارتباط است، در کنار سایر اماکن مقدس از منظر ساختاری و در حد امکان از منظر برخی تزیینات مورد تحلیل قرار می‌گیرند. روش تحقیق در این پژوهش رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع مکتوب تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی و به روش کتابخانه‌ای و میدانی پرداخته خواهد شد.</p> <p><b>کلید واژه‌ها:</b> اردبیل، عرفان و تصوف، پیران مقدس، مقابر، پراکنش ساختاری.</p>		

## فهرست مطالب

شماره و عنوان مطالب	صفحه
<b>فصل اول: کلیات</b>	
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- بیان مسئله	۳
۳-۱- سؤال (سؤال‌های) پژوهش	۵
۴-۱- فرضیه (فرضیه‌های) پژوهش	۶
۵-۱- هدف (اهداف) پژوهش	۶
۶-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش	۶
۷-۱- پیشینه پژوهش	۷
۸-۱- مواد (داده‌ها) و روش پژوهش	۸
<b>فصل دوم: پیشینه تاریخی اردبیل</b>	
۱-۲- وجه تسمیه اردبیل	۱۰
۲-۲- تاریخ پیدایش اردبیل	۱۳
۳-۲- اردبیل و زرتشت	۱۶
۴-۲- مختصری از تاریخ اردبیل	۱۸
۱-۴-۲- حمله اعراب به آذربایجان و سقوط اردبیل	۱۸
۲-۴-۲- اردبیلی‌ها در مقابل اسلام و اعراب	۲۰
۳-۴-۲- سکونت اعراب در اردبیل	۲۲
۴-۴-۲- قیام بابک خرم‌دین	۲۴
۵-۴-۲- قتل بابک خرم‌دین	۲۷
۶-۴-۲- دوره ساجیان	۲۸
۷-۴-۲- دوره سلجوقیان	۲۹
۸-۴-۲- دوره ایلخانان	۳۰
۹-۴-۲- صفویان	۳۲
۱۰-۴-۲- افشاریان	۳۳
۱۱-۴-۲- قاجاریان	۳۴
۵-۲- پیشینه مطالعات باستان‌شناسی در مورد مقابر استان اردبیل	۳۵

## فصل سوم: تاریخ گسترش اسلام در منطقه آذربایجان و سیر تحولات مذهبی در ادوار مختلف تاریخ

### ایران

- ۱-۳- تاریخ گسترش اسلام در ایران و آذربایجان ..... ۳۹
- ۲-۳- تاریخ گرایش مردم ایران و آذربایجان به مذهب تشیع ..... ۴۰
- ۳-۳- نگرشی بر گسترش فرقه‌های صوفیه و جریانات عرفانی در ایران ..... ۴۲
- ۱-۳-۳- دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی تصوف ..... ۴۴
- ۲-۳-۳- فرق عرفان با تصوف ..... ۴۴
- ۳-۳-۳- فرق صوفی با عارف و زاهد و درویش ..... ۴۵
- ۴-۳-۳- صوفی ..... ۴۶
- ۵-۳-۳- عارف ..... ۴۶
- ۶-۳-۳- زاهد ..... ۴۷
- ۷-۳-۳- درویش ..... ۴۷
- ۸-۳-۳- پیر ..... ۴۷
- ۹-۳-۳- سیر تصوف از قرن دوم به بعد ..... ۴۹
- ۱-۹-۳-۳- قرن دوم ..... ۴۹
- ۲-۹-۳-۳- قرن سوم ..... ۵۰
- ۳-۹-۳-۳- قرن چهارم ..... ۵۱
- ۴-۹-۳-۳- قرن پنجم ..... ۵۲
- ۵-۹-۳-۳- قرن ششم ..... ۵۲
- ۶-۹-۳-۳- قرن هفتم ..... ۵۳
- ۷-۹-۳-۳- قرن‌های هشتم و نهم هجری ..... ۵۴
- ۸-۹-۳-۳- تصوف از قرن دهم به بعد ..... ۵۵
- ۴-۳- گسترش فرقه‌های صوفیه و جریانات عرفانی در اردبیل ..... ۵۷

### فصل چهارم: پراکنش فضاهاى ساختارى پيرهاى مقدس استان اردبیل

- ۱-۴- پراکنش پيرهاى مقدس استان اردبیل ..... ۵۹
- ۲-۴- شیخ صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق اردبیلی ..... ۵۹
- ۱-۲-۴- خرقه و سلسله مشایخ شیخ ..... ۶۲
- ۲-۲-۴- طریقت شیخ ..... ۶۳
- ۳-۲-۴- توبه ..... ۶۳
- ۴-۲-۴- سماع ..... ۶۵
- ۵-۲-۴- عشق ..... ۶۶

- ۳-۴-۳- مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل ..... ۶۸
- ۳-۴-۱- تاریخچه مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی ..... ۶۸
- ۳-۴-۲- بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی ..... ۶۹
- ۳-۴-۳- درگاه ورودی ..... ۷۰
- ۳-۴-۴- حیاط بزرگ ..... ۷۱
- ۳-۴-۵- حیاط کوچک ..... ۷۳
- ۳-۴-۶- صحن اصلی ..... ۷۵
- ۳-۴-۷- تالار دارالحدیث یا طاق متولی ..... ۷۶
- ۳-۴-۸- جبهه غربی صحن اصلی (سردر شاه عباسی) ..... ۷۷
- ۳-۴-۹- مسجد جنت سرا ..... ۸۰
- ۳-۴-۱۰- تالار دارالحفاظ (قندیل خانه) ..... ۸۱
- ۳-۴-۱۱- چله‌خانه ..... ۸۳
- ۳-۴-۱۲- شاه‌نشین ..... ۸۴
- ۳-۴-۱۳- آرامگاه محیی‌الدین محمد یا حرمخانه ..... ۸۶
- ۳-۴-۱۴- چینی‌خانه ..... ۸۹
- ۳-۴-۱۵- مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۷۳۵ هجری قمری) ..... ۹۰
- ۳-۴-۱۶- مقبره شاه‌اسماعیل ..... ۹۳
- ۳-۴-۱۷- شهیدگاه ..... ۹۴
- ۴-۴- تاثیر تفکر طریقت بر شکل‌گیری مجموعه مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی ..... ۹۶
- ۴-۵- شیخ صدرالدین موسی ..... ۱۰۰
- ۴-۶- خواجه علی سیاه‌پوش ..... ۱۰۲
- ۴-۷- شیخ ابراهیم (متوفی ۸۵۱ هجری قمری) ..... ۱۰۴
- ۴-۸- شیخ جنید ..... ۱۰۴
- ۴-۹- شیخ حیدر ..... ۱۰۷
- ۴-۹-۱- مقبره شیخ حیدر ..... ۱۰۹
- ۴-۹-۱۰- سلطانعلی میرزا ..... ۱۱۰
- ۴-۱۱- شاه‌اسماعیل (مرشد کامل) ..... ۱۱۱
- ۴-۱۲- عبداللطیف برنجیان ..... ۱۱۵
- ۴-۱۳- مجموعه آرامگاهی شیخ کلخوران ..... ۱۱۶
- ۴-۱۳-۱- روستای کلخوران ..... ۱۱۶
- ۴-۱۳-۲- معانی کلمه کلخوران ..... ۱۱۷

- ۱۱۷..... ۱۳-۴-۳- مقبره شیخ جبرئیل
- ۱۱۹..... ۱۳-۴-۴- حیاط بقعه
- ۱۱۹..... ۱۳-۴-۵- ایوان جلو بنا
- ۱۲۰..... ۱۳-۴-۶- رواق
- ۱۲۰..... ۱۳-۴-۷- غرفه‌ها
- ۱۲۱..... ۱۳-۴-۸- شرح داخل بقعه
- ۱۲۲..... ۱۳-۴-۹- فرم بنا
- ۱۲۳..... ۱۳-۴-۱۰- سایر مقابر مجموعه آرامگاهی شیخ کلخوران
- ۱۲۳..... ۱۳-۴-۱۰-۱- مقبره عوض الخواص پسر فیروزشاه زرین کلاه
- ۱۲۴..... ۱۳-۴-۱۰-۲- مقبره سید محمد اعرابی
- ۱۲۶..... ۱۳-۴-۱۰-۳- بقعه سید حمزه (ساری گل آقاسی)
- ۱۲۷..... ۱۴-۴- بقعه کورائیم
- ۱۲۹..... ۱۵-۴- مقبره شیخ بدرالدین نمین
- ۱۳۰..... ۱۶-۴- شیخ ابوسعید اردبیلی
- ۱۳۲..... ۱۷-۴- شیخ رکن محی الدین اردبیلی
- ۱۳۲..... ۱۸-۴- سید ابراهیم پیر
- ۱۳۳..... ۱۹-۴- پیر مادر
- ۱۳۵..... ۲۰-۴- پیر عبدالملک
- ۱۲۶..... ۲۱-۴- پیر شمس الدین
- ۱۳۷..... ۲۲-۴- پیر زرگر
- ۱۳۸..... ۲۳-۴- پیر عبدالله
- ۱۳۹..... ۲۵-۴- امامزاده پیر
- ۱۳۹..... ۲۵-۴- مقبره پیر قنبلان
- ۱۴۱..... ۲۶-۴- اقلیم‌شاه
- ۱۴۲..... ۲۷-۴- سلیمان‌شاه
- ۱۴۳..... ۲۸-۴- عبدالله شاه
- ۱۴۳..... ۲۹-۴- سنجرشاه
- ۱۴۴..... ۳۰-۴- مقبره صدرالعلما
- ۱۴۵..... ۳۱-۴- کلبعلی شاه
- ۱۴۶..... ۳۲-۴- محله عارف
- ۱۴۷..... ۳۳-۴- شیخ چراغعلی

۱۴۸..... ۳۴-۴ - محله زینال

۱۴۹..... ۳۵-۴ - معصوم شاه

۱۵۰..... ۳۶-۴ - رحمان شاه

### فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۵۱ ..... ۱-۵ - نتیجه گیری

۱۵۵..... فهرست منابع و مأخذ

## فهرست شکل‌ها

شماره و عنوان شکل	صفحه
شکل ۱-۲: سکه مربوط به نام اردبیل.....	۱۵۳
شکل ۱-۴: نقشه مجموعه شیخ صفی.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۲-۴: نمای جبهه جنوبی و غربی صحن.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۳-۴: نمای جبهه شمالی و شرقی.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۴-۴: سردر ورودی حیاط کوچک.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۵-۴: نمای صحن اصلی.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۶-۴: نمایی از تالار دارالحديث.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۷-۴: سردر شاه عباسی.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۸-۴: نمایی از جنت سرا.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۹-۴: فضای داخلی قنديل خانه.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۰-۴: نمایی از چله خانه.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۱-۴: شاه نشین.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۲-۴: نمایی از حرمخانه.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۳-۴: نمای داخلی چینی خانه.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۴-۴: نمایی از گنبد الله الله.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۵-۴: نمایی از مقبره شیخ صفی.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۶-۴: مقبره شاه اسماعیل.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۷-۴: نمایی از شهیدگاه.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۸-۴: نمایی از شهیدگاه مربوط به سال ۱۲۶۸.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۱۹-۴: چند نمونه سنگ قبر سالم باقی مانده از محوطه شهیدگاه، مربوط به شهدای جنگ چالدران.....	<b>Error!</b>
	<b>Bookmark not defined.</b>
شکل ۲۰-۴: مقبره شیخ صدرالدین موسی (مقبره میانی).....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
شکل ۲۱-۴: نمای مقبره شیخ حیدر مشکین شهر.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>



شکل ۴-۲۲: نمای نزدیک تزیینات تلفیق آجر و کاشی به صورت خط بنایی مقبره شیخ حیدر..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۲۳: عبداللطیف برنجیان..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۲۴: نمایی از مجموعه کلخوران..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۲۵: نمای بیرونی مقبره شیخ جبرئیل..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۲۶: نمای داخلی مقبره شیخ جبرئیل..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۲۷: مقبره عوض الخواص پسر فیروز شاه زرین کلاه)..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۲۸: مقبره سید محمد الاعرابی..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۲۹: بقعه سید حمزه (ساری گل آقاسی)..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۰: بقعه کورائیم..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۱: نمای بیرونی مقبره شیخ بدرالدین نمین..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۲: نمای داخلی مقبره شیخ بدرالدین نمین..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۳: شیخ ابوسعید اردبیلی..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۴: نمای خارجی مقبره سید ابراهیم پیر..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۵: نمای داخلی مقبره سید ابراهیم پیر..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۶: نمای حیاط مقبره سید ابراهیم پیر..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۷: مکان قبلی پیرمادر..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۸: سردر مسجد محله پیر عبدالملک..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۳۹: مسجد محله پیر عبدالملک..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۰: مسجد محله پیرشمس الدین..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۱: مسجد محله پیرشمس الدین..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۲: ملک آقای مهاجری..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۳: مقبره پیر عبدالله..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۴: مکان قبلی مقبره پیرقنبلان..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۵: درب ورودی مقبره پیرقنبلان..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۶: مسجد محله اقلیم شاه..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۷: مسجد محله اقلیم شاه..... **Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۸: مسجد محله سلیمان شاه.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۴۹: محله عبدالله شاه.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۰: مسجد و مقبره سنجرشاه.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۱: نمای داخلی مسجد مقبره صدرالعلما.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۲: نمای داخلی مسجد مقبره صدرالعلما.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۳: ورودی مسجد کلبعلی شاه.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۴: مسجد کلبعلی شاه.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۵: محله عارف.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۶: محله عارف.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۷: مسجد شیخ چراغعلی.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۸: مسجد شیخ چراغعلی.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۵۹: محله زینال.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۶۰: ورودی محله زینال.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۶۱: مزار شیخ ابوسعید اردبیلی در محله معصوم شاه.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۶۲: مسجد معصوم شاه.....**Error! Bookmark not defined.**

شکل ۴-۶۳: مسجد در حال ساخت محله رحمان شاه.....**Error! Bookmark not defined.**

# فصل اول: کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

تأثیر وجوه اندیشه‌های گوناگون مذهبی در تاریخ فرهنگ ایران بر کسی پوشیده نیست. حضور اندیشه‌های عرفانی آن‌چنان بر وجوه مختلف فرهنگ ایرانی نفوذ داشته است که هنر ایرانی را هم در شکل و هم محتوا متأثر ساخته است. معماری یکی از فاکتورهایی است که طراحان و معماران از تزیینات و عناصر به کار رفته در آن برای بیان اندیشه‌های خود استفاده کردند. در بیشتر شهرها و روستاهای ایران مقابر و بنای امام زادگانی ساخته شده که در بیشتر آن‌ها اندیشه‌های مذهبی عامل اصلی بوده است. ساخت مقابر در معماری دوران اسلامی به‌عنوان جلوه‌ای از باورها و آیین‌های مربوط به پاسداشت مردگان توأم با سایر بناهای مذهبی دیگر از جمله مساجد آغاز شد و تقریباً به موازات آن پیش رفت. شیوه‌های مختلف ساخت این مقابر از نظر ساختاری تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و مادی، راهی همگام با آیین‌ها و باورهای جامعه پیموده است. یکی از مهم‌ترین ادوار ساخت این مقابر مربوط به سده‌های هفتم و هشتم هجری قمری/ قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی می‌باشد. طی این دوره با توجه به مرکزیت حکومت ایلخانان در منطقه آذربایجان و توجه خاص سلاطین مغول به عرفا و مشایخ متصوفه، منطقه‌ی اردبیل به‌عنوان یکی از مراکز مهم تصوف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

اردبیل یکی از استان‌های ایران است که به دلیل موقعیت خاص آن در قرون میانی دوره اسلامی مرکز تصوف و عرفان بوده است. مهم‌ترین ادوار ساخت مقابر منطقه اردبیل مربوط به سده‌های هفتم و هشتم هجری قمری/ قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی می‌باشد. طی این دوره با توجه به مرکزیت حکومت ایلخانان در منطقه آذربایجان و توجه خاص سلاطین مغول به عرفا و مشایخ متصوفه، منطقه‌ی اردبیل به‌عنوان یکی از مراکز مهم تصوف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. اردبیل در قبل و بعد از اسلام مرکز آذربایجان بوده است با حضور شیخ صفی‌الدین، خاندان صفوی اردبیل، اعتبار ویژه‌ای یافت و

به طوریکه این شهر در زمان تیمور، دارالارشاد و در زمان سلاطین صفوی با عنوان دارالامان از جایگاه خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار گردید. مهم‌ترین ویژگی مقابر تأثیرات عرفان و تصوف در شکل‌گیری و تزئین بناها اشاره کرد. طرح و نقشه ساخت مقابر دوره اسلامی منطقه اردبیل از ویژگی‌های عرفانی و همچنین بومی و محلی منحصر به فرد برخوردار است تحت تأثیر دیدگاه‌های عرفانی مکتب شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی قرار دارد که شناخت این تأثیرات خود مستلزم تحقیقی جداگانه می‌باشد. از جمله شکل گنبد و کتیبه الله الله به خط بنایی بر روی مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی ارتباط کامل با مفاهیم تصوف و عرفان دارد. همچنین اشکال شمس و ستاره ای، تزئینات نوشتاری نیز دارای ارتباط با این مفاهیم می‌باشند. از لحاظ پلان و نوع مقابر می‌توان گفت که یک دسته از مقابر، چهار ضلعی و گنبددار دارند و دسته دیگر مقبره‌های برجی می‌باشند که به صورت مدور و چندوجهی هستند. مقابر برجی شکل منطقه اردبیل به صورت منفرد ساخته شده و از همه سمت نمایان هستند. روند ساخت بناهای آرامگاهی به این صورت بود که ابتدا قبر یک فرد مذهبی در داخل خانقاه ایجاد می‌شد و به مرور زمان قبور دیگر به آن افزوده می‌شد و به صورت یک مجموعه معماری و زیارتگاهی تبدیل می‌شد. معماری مقابر منطقه اردبیل از ویژگی‌های بومی یا محلی متناسب با نوع آب و هوا و مصالح در اختیار برخوردار است. پژوهش حاضر به بررسی مشخصات معماری و تزئینی مقابر مربوط به عارفان و پیران استان اردبیل می‌پردازد.

## ۱-۲- بیان مسئله

معماری از جمله هنرهایی است که در طول تاریخ با توجه به نیاز بشر به وجود آمده که در این مهم هنرمندان معمار در ادوار گوناگون با به‌کارگیری روش‌های مختلف به پیشرفت‌های چشمگیری در این زمینه دست یافته‌اند. در واقع گسترش و پیشرفت بناها به عواملی از جمله شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نوع افکار حکومت‌های رایج در هر سرزمینی بستگی دارد. در این میان معماری مذهبی یا اسلامی که همزمان با ظهور مساجد در فضاهای شهری شکل گرفت، شایان اهمیت دوجندان در این زمینه است. در ایران به‌مانند تمامی سرزمین‌های دیگر، لزوم وجود فضاها و اماکن مذهبی در بین اقوام

پیرو مذاهب مختلف در طول تاریخ؛ به‌عنوان جایگاهی برای نیایش احساس می‌شده است. در هر شهر و روستایی مقابری ساخته شده که از یک لحاظ مکان مذهبی و از طرف دیگر قبر شخص متوفی در آن دفن است. بعضی مقابر هم فقط برای شخص عارف و صوفی که در بین مردمان آن عصر احترام و جایگاه ویژه داشت ساخته شده است.

اردبیل یکی از استان‌های ایران است که قدمت آن طبق کاوش‌های باستان‌شناسی به قبل از اسلام می‌رسد و در دوره اسلامی هم یکی از شهرهای مذهبی ایران بود. بنابر گزارش‌ها، برخی از مورخان کوه سبلان معبد عابدان روزگار بوده و سابقه‌ای درخشان در فرهنگ دینی و معنوی داشته است که اکنون نیز آثار باستانی و قبور موبدان آن زمان باقی‌مانده و برخی از مناطق و روستاها به نام آنان شناخته می‌شود. در سده‌ی اول و دوم اسلامی برخی از امامزادگانی چون امامزاده صالح و امامزاده صدرالدین و امامزاده سید محمد اعرابی و دیگر بزرگواران به این شهر مهاجرت کرده زمینه‌های معرفت و معنویت را به وجود آوردند و همان‌گونه که ذکر گردید، سهم مهمی در ایجاد فضای معرفتی به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر آب و هوای دلپذیر و بیلاق‌ها و باغ‌های دل‌انگیز و دیگر ویژگی‌های طبیعی اردبیل زمینه‌ای دیگر برای رشد تقوا و استعداد عرفانی و دل‌های معنوی به وجود آورد. علاوه بر آن که اردبیل تا قرن ششم هجری قمری مهم‌ترین شهر منطقه‌ی آذربایجان بود و از جایگاه ویژه‌ای در زمینه‌ی اقتصاد و فرهنگ برخوردار بود و به‌عنوان مرکز تجمع علماء، دانشمندان، عرفا و صوفیه شناخته می‌شد.

در قرن هشتم هجری قمری/ قرن چهاردهم میلادی و در زمان حمدالله مستوفی اهالی اردبیل شافعی محسوب می‌شدند، ولی در قرن پانزدهم میلادی نهضت تشیع از اردبیل بروز نمود و همین نهضت موجب تشکیل دولت جدید ایران واقع گردید و در عهد این دولت مذهب شیعه، مقام مذهب حاکمه را احراز نمود. از قرار معلوم شیخ صفی‌الدین جدّ سلاطین شیعه نبود؛ زیرا حمدالله قزوینی اهالی اردبیل را شافعی و مرید شیخ صفی‌الدین می‌خواند. شاید شاه اسماعیل که از اولاد شیخ مذکور و مؤسس سلسله‌ی صفویه است، خود را از اولاد علی(ع) اعلام نموده و علم تشیع را برافراشت. شاه اسماعیل هم که در سال

۹۳۰ هجری قمری / ۱۵۲۴ میلادی وفات یافت، در اردبیل مدفون گردید. به این ملاحظه شهر در دوره‌ی اولاد شاه اسماعیل تا یک درجه دارای اهمیت بود؛ چنان‌که شاه عباس کبیر کتابخانه‌ی معتبری وقف شهر کرد. اردبیل در سال ۱۲۴۳ هجری قمری / ۱۸۲۸ میلادی به تصرف پاسکویچ درآمد و قسمت بزرگ کتابخانه به‌عنوان غنیمت جنگ به سن پترزبورگ ارسال گردید و تا به امروز در کتابخانه‌ی عمومی محفوظ است.

اردبیل پایگاه فکری و مذهبی صفویان بود و از این نظر حائز توجه ویژه است. در چنین شهری با موقعیت چشمگیری که داشت، باید علما و صوفیه و دیگر قشرهای مرتبط با مسائل فرهنگی فعالیت داشته باشند به همین جهت شماری از دانشمندان و بزرگان آذربایجان به این شهر منسوب‌اند و این شهر از مراکز عمده‌ی تصوف آذربایجان به شمار می‌رود. در کتب متصوفه به اسامی تنی چند از مشایخ اردبیلی برمی‌خوریم که در زمان خود و بعدها در میان توده‌ی مردم شهرتی داشتند و خاک جای آن‌ها به‌عنوان مکان‌های مقدس و متبرک تلقی می‌شد. سه فاکتور بالا یعنی، اردبیل، جریان عرفان و تصوف و معماری فکر مطالعه و بررسی بناهای مرتبط با آن‌ها را در ذهن نگارنده تقویت نمود. از این‌رو نگارنده به بررسی و شناسایی اماکن مذهبی و مقدس اردبیل از منظر جریان عرفان و تصوف پرداخته است. در این راستا بناهایی مانند مجموعه شیخ صفی که خود شامل چندین بنای مجزا بوده و سایر اماکن مقدس استان اردبیل که با جریان عرفان و تصوف در ارتباط است، در کنار سایر اماکن مقدس مانند بقعه‌ی شیخ جبرائیل در کلخوران و بقعه‌ی شیخ حیدر در مشگین شهر از منظر ساختاری و در حد امکان از منظر برخی تزئینات مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

### ۱-۳- سؤال (سؤال‌های) پژوهش

- ۱- مهم‌ترین خصوصیات فضایی اماکن مقدس استان اردبیل در ارتباط با جریان تصوف چیست؟
- ۲- تأثیرات جریان‌های عرفان و تصوف در شکل‌گیری و پراکنش اماکن مقدس در استان اردبیل به چه صورت است؟
- ۳- رشد اماکن مقدس بیشتر در کدام دوره بود و بانی آن‌ها چه کسانی بودند؟

## ۱-۴- فرضیه‌ی (فرضیه‌های) پژوهش

۱- نظم هندسی در طراحي، تکرار و ریتم، پویایی و حرکت، هماهنگی و تعادل، سادگی در عین پیچیدگی، دعوت‌کنندگی، تنوع رنگ‌ها در تزیینات، همجواری‌های قدسی، بهره‌گیری از نقوش طبیعی و هندسی در تزیینات و سلسله‌مراتب ورودی تا حضور در بقعه از اصول مشترک و ویژگی‌های شاخص طراحي و برترین تجلی معماری قدسی است که در ساختار فیزیکی و معنایی اماکن متبرکه و مذهبی این استان ظاهر شده است.

۲- به نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی و اقلیم اردبیل در گسترش یافتن جریان عرفان و تصوّف در این استان مؤثر بوده است. به تبع این گسترش برخی الزامات مرتبط با این جریان در شکل‌گیری برخی اشکال معماری مانند خانقاه، چله خانه و ... مؤثر بوده است.

۳- به نظر می‌رسد تنوع و فزونی آرامگاه‌ها بیشتر در دروه صفویه بود و مردم عادی بنیانگذاران این بناها بودند.

## ۱-۵- هدف (اهداف) پژوهش

۱- بررسی و شناسایی اماکن مقدّس استان اردبیل مرتبط با جریان عرفان و تصوّف.

۲- تحلیل عناصر ساختاری بناهای مقدّس استان اردبیل از منظر عرفان و تصوّف.

۳- تحلیل علل پراکنش اماکن مقدّس مرتبط با جریان عرفان و تصوّف در استان اردبیل.

## ۱-۶- ضرورت و اهمّیت پژوهش

اردبیل در طول تاریخ، همواره از مرکز معنویّت و عرفان بوده است. پس از ورود اسلام به ایران، این کهن دیار مهد رویش تصوّف و عرفان اسلامی گردید. بسیاری از بزرگان صفویه، همچون شیخ فرج اردبیلی، شیخ ابوسعید اردبیلی، خواجه کمال الدّین عربشاه اردبیلی، تاج‌الدّین اردبیلی، پیر عبدالملک، پیر



شمس الدین، پیر زرگر، پیر مادر و پیران سحران و نیز شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی از دیگر عرفا و پیران اردبیلی بودند که تأثیراتی بس گوناگون در عرصه‌های مختلف بر این دیار گذاشته‌اند. بناهای آرامگاهی این بزرگان دینی و شیوخ و سادات بزرگ، به‌وسیله‌ی مریدان و طرفداران خود، که از حاکمان و یا عامه‌ی مردم بوده‌اند، ساخته شده است. از آنجا که در زمینه‌ی فوق پژوهشی مستقل به عمل نیامده است، ارایه‌ی چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

## ۱-۷- پیشینه‌ی پژوهش

تا جایی که نگارنده تحقیق بررسی کرده، اثر مستقلی که به بررسی آراء و احوال عرفا و مشایخ اردبیل و نیز اکثر آثار معماری ایشان بپردازد، ارایه نشده است. اما در آثار مختلف به‌طور جداگانه به بحث از برخی عرفای بزرگ اردبیل و نیز در برخی از مقالات به بررسی موردی بناهای مربوط به عارفان و پیران پرداخته شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ابن‌بزاز اردبیلی در بخشی از کتاب «صفوه‌ی الصفا» خاندان صفوی را مورد بررسی قرار داده و همچنین به بیان حالات و کرامات شیخ صفوی و نقش او در اوضاع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن دوران پرداخته است. این کتاب اولین و جامع‌ترین کتاب در این زمینه است (ابن بزاز، ۱۳۷۳).

- در کتاب مرصادالعباد نجم الدین رازی که یکی از آثار مهم ادبیات عرفانی است، موضوعات و مفاهیم اصلی عرفانی مطرح و تبیین گردیده است (نجم الدین رازی، ۱۳۸۷).

- کتاب «هنر و معماری صفویه» نوشته شیلا کنبی با ترجمه مزدا موحد با موضوع معماری ایران در دوره صفویه در ۲۶۱ صفحه، مصور، سال ۱۳۸۵ منتشر شده است. در مقالات مختلف کتاب سعی شده هنرهای گوناگون در دوره‌ی صفویه، نیز آثار هنری و معماری در آن عهد معرفی شود. از مباحث این مجموعه می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: مقبره‌ی شاه اسماعیل اول در اردبیل، کاروانسراهای صفوی، بهرام میرزا و نیز به معرفی مجموعه‌هایش پرداخته است (کنبی، ۱۳۸۵).

- کتاب «گمشده‌ای از هنر و معماری دوره صفویه مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» طرح بازسازی سر در عالی‌قاپو و احیای تزئینات آن توسط شکوفه مصباحی در ۱۷۶ صفحه مصور با موضوع «بقعه شیخ

صفی‌الدین اردبیلی-نگهداری و مرمت»، «آثار تاریخی-نگهداری و مرمت» و «معماری اسلامی-ایران- اردبیل» توسط نشر رسانه‌پرداز منتشر شده‌است (مصباحی، ۱۳۸۸).

- احمد کسروی در کتاب (شیخ صفی‌الدین و تبارش) به معرفی تبار و شجره‌ی شیخ صفوی و سیادت خاندان صفویان پرداخته است. کتاب «اردبیل در گذرگاه تاریخ» در قسمتی از تاریخ نهم این کتاب به شاهان و پیران اردبیل پرداخته و سپس در فصل دیگری (خاندان صفوی) آثار مربوط به این خاندان را مورد بررسی قرار داده است (صفری، ۱۳۷۰).

- عادل مولایی در مقاله‌ی خود تحت عنوان «عرفان و عارفان در دارلارشاد اردبیل» ضمن تعریف عرفان و تصوّف در این منطقه، عارفان و صوفیان اولیّه و پیران اقطاب این شهر را مورد مطالعه قرار داده است (مولایی، ۱۳۸۹).

- حبیب شهبازی شیران در مطالعات خودشان در کتابی با عنوان «بررسی معماری و سازه‌ای باغ کلخوران اردبیل» به تفکیک ساختار بناهای موجود در داخل باغ کلخوران را به لحاظ معماری و سازه‌ای مورد تحلیل قرار داده است (شهبازی شیران، ۱۳۸۴).

- حسن یوسفی و محمود طاوسی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آرامگاه شاه اسماعیل اول در اردبیل از منظر باستان‌شناسی»، به مطالعه‌ی اثر بر اساس متون تاریخی موجود و بررسی میدانی آن جهت ارایه‌ی یک تاریخ دقیق و روشن از بنا پرداخته است (یوسفی و طاوسی، ۱۳۸۳).

## ۱-۸- مواد (داده‌ها) و روش پژوهش

روش اجرای طرح در این پژوهش تحلیل تاریخی، اسنادی و میدانی (مصاحبه، مشاهده) خواهد بود؛ به این صورت که ابتدا کتاب‌هایی در این زمینه مطالعه خواهد گردید و با رجوع به منابع اینترنتی و استفاده از نشریات و مجلاتی که در ارتباط با موضوع مورد پژوهش هستند، مطالب فیش‌برداری شده و سپس با اطلاعاتی که از تحقیقات میدانی به دست می‌آید، ترتیب شده و با توجه به محتوای مطالب، فصل‌بندی خواهد شد.

فصل دوم:

پیشینه تاریخی

اردبیل

## ۲-۱- وجه تسمیه اردبیل

درباره نام اردبیل مورخان و زبان شناسان و صاحب نظران ضمن بیان عقاید مختلف، معانی تقریباً یکسان و گاه متفاوت در نظر گرفته‌اند. مؤلف برهان قاطع در خصوص نام اردبیل چنین توضیح می‌دهد «...بر وزن زنجبیل، نام پسر ارمنی بن لنتی بن یونان است و نام شهری است معروف، گویند آن شهر را فیروز جدّ انوشیروان بنا کرده و از آن جهت فیروزگرد خوانندش» (خلف تبریزی، ۱۳۱۷: ۶۴).

اردبیل در مآخذ گوناگون به صورت‌های اردویل، اردبیل و اردبیل آمده است. اردبیل در منابع ارمنی به صورت آرتاوت و سپس ارتاول آمده است، مینورسکی معتقد است ارته ویت به‌مرور به اردبیل تغییر شکل یافته است، اگرچه در «دایره المعارف اسلام» آمده است: اشتقاق و معنای اردبیل به‌درستی معلوم نیست اما مینورسکی معتقد است این نام ترکیبی است از آرتّه یا ارته به معنای مقدس و قانون مقدس و ویت (پارسی میانه) که صورت اوستایی آن وئتی است و به معنای بید یا تنه بید به‌کار می‌رود، به‌این ترتیب او معنای اردبیل را تنه بید یا بید قانون مقدس دانسته است، همچنین ایشان در جای دیگر بل یا بیل یا ویل را پسوند بسیاری از مکان‌ها از جمله انزیل و خرزویل دانسته است (هدایتی، ۱۳۹: ۹).

لاکهارت، در مورد بنای شهر و علت نام‌گذاران از قول مردمان محلی، افسانه‌ای را نقل می‌کند که بنا برآن در محل کنونی شهر درگذشته دریاچه‌ای وجود داشته است: به فرمان سلیمان نبی دو دیو به نام‌های آرد و بیل آب‌های این دریاچه را با حفر دو معبر در شمال شرقی شهر کنونی خارج ساختند و شهر را در محل دریاچه‌ی خشک‌شده برپا داشتند و به همین سبب نیز نام این شهر به نام این دو دیو اردبیل خوانده شد. حمیری نام اردبیل را مأخوذ از اردبیل بن آرمین می‌داند که یاقوت آن را از قول سمعانی به‌صورت اردبیل بن ارمنی ابن لنتی بن یونان ذکر کرده است (نوری، ۱۳۹۱: ۸).

ظاهراً نام اردبیل ترکیبی است از دو جزء آرد به معنای درستی، راستی و پاکی و بیل یا ویل (پسوند مکانی) به معنای جایگاه، این ترکیب را به صورت‌های آرتاویل و آرتاویلا به معنای شهر مقدس نیز نوشته‌اند. نام قدیم اردبیل را باذان فیروز، بادان پیروز، اباذان فیروز، بادفیروز، فیروزگرد و آذربهمن نیز نوشته‌اند، الثاریوس ظاهراً به خطا نام قدیم اردبیل را ساتراپنه می‌داند (هدایتی، ۱۳۹۱: ۱۰).

کسروی اصل آن را آرتاویل و مرکب از دو بخش آرتا به معنای مقدس مانند کلمات (اردیبهشت، آرداویراف، ارتاپت، اردشیر و...) و ویل یا بیل به معنای شهر، دانسته است و با این توجیه معنی آن شهر مقدس می‌باشد. در سکه‌ای که تصویر آن را می‌بینید و مربوط به قرن ششم هجری قمری است، نام این شهر، اردویل نقر شده است (تراپی طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳).



شکل ۱-۲: سکه مربوط به نام اردبیل (منبع: تراپی طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳)

جنس: مس

وزن: ۱۳/۵ گرم

قطر: ۹/۹۵ سانتی‌متر

روی سکه متن: السلطان المعظم شاهنشاه اعظم ابوبکر بن محمد

روی سکه حاشیه: سنه..... خمسمئه

پشت سکه متن: لا اله الا الله محمد رسول الله الناصرالدين الله اميرالمؤمنين

پشت سکه حاشیه: ضرب به اردویل

بنابر نظری دیگر نام شهر مرکب از دو کلمه‌ی «اورتا» به معنی میان و میانی و «بئل» به معنی دامنه

است (امیری، ۱۳۸۴: ۲۷).

از سوی دیگر ذکر نام این شهر در داستان ویس و رامین از نمونه‌های ادبی معروف دوره‌ی اشکانی-دیرینگی شهر را به ۲۰۰۰ سال پیش می‌رساند. همچنین نام اردبیل در لوحه‌های گلی سومریان به صورت آرتا ثبت گردیده است که خود قدمت شهر را بیش از رقم فوق و تا ۵۰۰۰ سال می‌رساند. در کنار اسناد و منابع اشاره‌شده، شهر اولیه حصار نیز داشته است پیشینه‌ی شهرها و قلعه شهرهای حصار دار به دوران اورارتویی، قرون هشتم و نهم قبل از میلاد می‌رسد. پس نظر اولی آن است که قدمت شهر به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش می‌رسد و افزودن موضوع تهاجم قوم خزر از این سمت، به‌علاوه سابقه‌ی عبور جاده‌ی ابریشم از این محدوده جغرافیایی، این گمان را بیشتر تأیید می‌کند (امیری، ۱۳۸۴: ۲۷).

یکی از محققان در این خصوص نظر کاملاً متفاوت بیان می‌کند. وی بر این باور است: «معنی رایجی که برای Artaville در نظر می‌گیرد شهر پارسایی، ثروت و نیکویی است. در زبان اوستایی Artta و اشا یک مفهوم و یک ریشه دارند. Rt اوستایی در گونه دیگر این زبان به ش بدل می‌شود. این محقق اردبیل را از واژه Ardini به معنی ایزد خورشید و آفتاب و illi یعنی جایگاه می‌داند. البته هر دو واژه ریشه اورارتویی و به عبارت بهتر اورارتو- میتانی دارند. از آنجاکه واژه‌های مختوم به illi در زبان اورارتو فراوان هست و منطقه اورارتو سرزمین فعلی اردبیل را در بر می‌گرفته این اشتقاق منطقی‌تر است. نمونه واژه‌هایی از این دست را می‌توان در واژه Argishtilli یعنی شهر آرگیشتی ذکر کرد. Ardini به معنی خورشید خود مظهر پارسایی و پاکی هم هست. بنابراین تنافر و تناقضی میان دو ریشه وجود ندارد. ایشان معتقد است که ساکنین اولیه آذربایجان به‌ویژه اردبیل ریشه مشترکی با مردم اورارتو- میتانی داشته‌اند و از آنجا که آذربایجان سرزمین زرتشت بوده ریشه دوم را هم که با ریشه اول قرابت دارد می‌توان در مورد اردبیل به کار برد. وی نژاد کنونی اردبیل را با اورارتوها یکی دانسته و در این خصوص به واژه‌های مشترک آن‌ها

اشاره دارد: Ata در ترکی آذری و اورارتو به معنی پدر است و در اوستایی Ata ترجمه موبد آذرگشنسب؛ به معنی پدر آتاس یا آتس(روسی) و Ata در زبان هند و اروپایی هیتی نیز معنی پدر دارد. این پژوهشگر شباهت ناشی از ریشه illi در اورارتو، Ville در فرانسه و بیل در واژه اردبیل را از آن نوع می‌داند. در ضمن یادآور می‌شود که در زبان‌های باستانی ایرانی Pal و Par به معنی شهر و مکان بوده است؛ مثل پالاپات یعنی شهر آجری که همان جندی‌شاپور سابق است و یا بمپور یعنی شهر بم. همچنین پور در زبان هندی معنی شهر را دارد و پل Pol در زبان ارمنی به معنی قلعه است. بنابراین میان ریشه Pal و Par و Ville و illi اشتراک معنی و لفظ وجود دارد» (گلمغانی زاده اصل و یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۸).

## ۲-۲- تاریخ پیدایش اردبیل

تاریخ بنا و پیدایش اردبیل بدرستی معلوم نیست و بطور قطع نمی‌توان گفت این شهر در چه تاریخ و بدست چه کسی به وجود آمده است. در خود شهر داستانی است که از نسل‌های گذشته زبان به زبان نقل گردیده است و آن اینکه می‌گویند: سرزمین اردبیل، به سبب آنکه دور آن را کوه گرفته است در زمان بسیار قدیم بر اثر ریزش برف و باران بشکل دریاچه وسیعی بوده است. روزی فرمانروای آن حدود که از کنار آن می‌گذشت از مناظر دلربای اطراف آن انبساط خاطری یافت و آرزوی خود را در امکان خالی کردن آب آن و بنای عمارتی در آن محل، با اطرافیان خویش در میان گذاشت. دو مرد- پهلوان بنام «ارده» و «بیل» کمر همت بر بستند و کندن مجرائی را برای خالی کردن آب آن به مسابقه قبول نمودند، تا هریک بدین کار توفیق یابد، پاداشی از فرمانروا دریافت دارد. آن دو در دو نقطه دور از هم، به کندن قسمتی از گذار کوه پرداختند. چون ارده کار خود را نزدیک به اتمام دید، با خود اندیشید که مبادا تا وی مجرا را بیایان برساند بیل کار را انجام دهد و در مسابقه پیروز گردد، این بود حیلتی کرد و کسی نزد او فرستاد که به دروغ توفیق ارده را در اتمام کار به اطلاع او برساند و بیل را از ادامه آن باز دارد. بیل چون این خبر بشنید غصه مرگ شد و هنگامی که ارده از سرگذشت او آگاهی یافت از رفتار ناجوانمردانه خود پشیمان گردید و با آنکه مجری را کنده و خروج آب را دیده بود خود را از کوه به زیر انداخت و با کشتن

خویش، خویشتن را از عذاب وجدان راحت ساخت. به هر حال مجری کنده شد و آب از آن طریق، که امروز بنام «دوجاق» بر سر راه شوسه اردبیل به مشگین قرار دارد، خالی گردید و شهری که در جای آن بوجود آمد به حکم فرمانروا، بیاد آن دو پهلوان ناکام «ارده‌بیل» خوانده شد (هدایتی، ۱۳۹۱: ۲۱).

این یک داستان محلی است و با اینکه نمی‌توان آن را به کلی خیالی دانست بطور قطع نیز نمی‌توان بر آن تکیه نمود. اما مورخان در باب چگونگی پیدایش این شهر متناسب استنباطات و تحقیقات خود، یا برمبنای دلایل و مدارکی که داشته‌اند و به آنها اشاره نکرده‌اند، و امروز هم آن دلایل و مدارک در دست نیست، مطالبی نوشته‌اند. از جمله:

مؤلف «روضه الصفا» نوشته است «گویند که در مبدأ حال که کاوس (از سلسله پادشاهان کیان) زمام حل و عقد مصالح عباد را در قبضه درایت و کفایت «کیخسرو بن سیاوش» نهاد «طوس نوذر» بر هواخواهی «فریبرز»، که پسر صلبی کاوس بود، در این باب منازعت آغاز کرد و نزدیک بود که میان او و گودرزبان مهمم به جدال و قتال انجامد و کارها بزیان رسد. عاقبت الامر قرار بر آن شد که از این دو شاهزاده هرکدام که «بهمن دز» اردبیل را، که سال‌های دراز کمند تسخیر هیچ دو شوکتی بر شرفات آن نیفتاده بود، فتح نماید بر سریر سروری متمکن گردد. نخست فریبرز و طوس متوجه محاصره آن شدند و هرچند کوشیدند و مقدمات ترتیب دادند نتیجه‌ای بر آن مترتب نشد. ناچار محروم و مأیوس بازگشتند و چون پرتو مهابت شاهزاده جوانبخت کامکار بر آن قلعه و حصار افتاد ارکان آن، که بسان بنیان هرمان راسخ و راسی بود، از هم فرو ریخت و کیخسرو، دولتکام به نزد کاوس بازآمد و اورنگ شاهی را به وجود همایون خویش مزین گردانید» (میرخواند بلخی، ۱۳۷۰: ۱۴).

حمدالله مستوفی هم اردبیل را از کیخسرو و پسر سیاوش و نوه کیکاوس می‌داند و قلعه «بهمن دز» را که گاهی «روئین دز» نیز می‌خوانند بر سر کوه سبلان تصور می‌کند و می‌نویسد این قلعه اکنون (یعنی در زمان خود وی) خراب است. این روایت به «قاموس الاعلام ترکی» هم رسیده و نوشته است که «... طبق روایت تاریخ در ابتدا قلعه متینی در این شهر (اردبیل) بوده است. بین کیخسرو و عمویش فریبرز



درباره سلطنت اختلاف پیدا شد. قرار گذاشتند هرکس این قلعه را فتح کند سلطنت از آن او باشد. ابتدا فریبرز به مراهی طوس به سمت آن قلعه روی آوردند؛ ولی نتوانستند آنرا بگشایند. بعد کیخسرو و گودرز بدان جا رفتند و قلعه را فتح کردند و شهر اردبیل از همان زمان ایجاد گردید» (محرری و صاحب وطابعی، ۱۳۰۶: ۳۴).

فردوسی هم در شاهنامه باین داستان اشاره کرده و در باب پادشاهی کیکاوس و آمدن کیخسرو از توران بایران، و سخن گفتن گودرز و طوس درباره کیخسرو و فریبرز پیش کاوس شاه، چنین آغاز سخن می‌نماید (فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۱۲):

دو فرزند ما را کنون با دو خیل	بباید شدن تا در اردبیل
به مرزی که آنجا دژ بهمن است	همه ساله پرخاش اهریمن است

«یاقوت حموی» در معجم البلدان بنای این شهر را به فیروز ساسانی که در سال‌های بین ۱۳۹ و ۱۶۳ قبل از هجرت سلطنت می‌کرد، نسبت داده و آنرا «فیروزگرد» نامیده است. وی در کتاب خود اردبیل را «مشهورترین شهرهای آذربایجان» خوانده و گفته است که «پیش از اسلام کرسی ناحیه بود» و در جای دیگر اضافه کرده است که «گویند اردبیل از بناهای فیروز موسوم به «باذان فیروز» بوده است (ولی) ابو سعید گوید یحتمل این شهر منسوب به اردبیل بن آرمینی بن لنتی بن یونان باشد» (حموی، ۱۳۹۲: ۲۰۰)

دائرةالمعارف اسلامی در این‌باره می‌نویسد «تاریخ بسیار قدیم اردبیل برای ما شناخته نیست». فردوسی و یاقوت و بعضی دیگر معتقدند که فیروز ساسانی که در ۴۸۳-۴۵۹ میلادی سلطنت می‌کرد آنرا بنا نهاد و باذان فیروز، یا اباذان فیروز، یا فیروزگرد نام گذاشت». در دائرةالمعارف عربی هم چنین آمده است که «در تاریخ این شهر بعضی مورخان می‌گویند که انوشیروان ساسانی هنگامی که در آذربایجان اقدام به ساختن شهرهای دیگر می‌نمود اردبیل را تعمیر کرد و ظاهر امر هم این است که

اردبیل در آن تاریخ خراب بوده و این پادشاه به تعمیر آن اقدام کرده است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷: ۱۸۷۸).

برخی از محققین اردبیل را یک شهر کهن و تاریخی می‌دانند و وجود آن را پیش از زمان زردشت تصور می‌نمایند. به عقیده این عده لفظ اردبیل در اصل «آرتاویل» بود که از دو جزء «آرتا» یعنی مقدس و «ویل» یعنی شهر ترکیب مییافت و بدین عبارت اردبیل شهر مقدسی بود که احیاناً رشد و تکوین اولیه آئین زردشت در آن صورت گرفت.

مرحوم سید جمال الدین صفوی در مقاله‌ای که به عنوان «گوشه‌ای از تاریخ اردبیل» در شماره اول مورخ دیماه ۱۳۲۸ نشریه فرهنگ اردبیل نوشته از قول صاحب «حدود العالم»، که آن کتاب در قرن چهارم هجری تألیف شده، گفته است «اردویل از دو کلمه ارد و ویل تشکیل شده که اردنام روز بیست و پنجم از هر ماه و نیز نام یکی از فرشتگان زردشتی است و به معنی قانونی و مقدس و متشرع است چنانچه در کلمات اردیبهشت، اردشیر و اردویراف آمده و ویل که ریشه بسیار کهنه آریائی دارد و هنوز هم در زبان‌های اروپائی استعمال می‌شود به معنی شهر است، لذا اردبیل با تحریف از اردویل به معنی شهر مقدس خواهد بود» (صفوی، ۱۳۲۸: ۶۵).

## ۲-۳- اردبیل و زردشت

از جمله مطالبی که در باب اردبیل قابل تأمل و رسیدگی است مسئله ظهور زردشت و ارتباط آن با این شهر می‌باشد. خواننده دانشمند می‌داند که اصولاً موضوع نشأت زردشت و حیطة فعالیت‌ها و دعوت‌های اولیه او، با همه تحقیقاتی که شده و اظهارنظرهایی که گردیده است، هنوز مبهمات زیادی دارد و تصور می‌شود که اگر بررسی‌های عمیق‌تری در این منطقه و دامنه‌های سبلان به عمل آید و در آتشکده‌های این نواحی، که غالباً جای خود را به امکنه مقدسه اسلامی داده‌اند، تحقیق شود بدون تردید بر قلمرو اطلاعات ما در این مورد افزوده خواهد شد و هرآینه این فکر را، که به ظن قوی زردشت در این ناحیت مبعوث گشته است، تأیید خواهد نمود.

مورخین اتفاق نظر دارند که از زمان مادها، دشت مغان و اطراف آن، یعنی حوالی اردبیل، متعلق به پیشوایان درجه اول مذهبی و محل استقرار آنها بود و تعلیمات عالیه دینی و تربیت مبلغین مذهبی در آنجا صورت می‌گرفت. چون به زعم بعضی از تاریخ‌نویسان زردشت نیز از روحانیان عهد خود به شمار می‌آمد بخاطر چنین می‌گذرد که اگر در جای دیگری نیز متولد بوده طبعاً در این منطقه تعلیم یافته و افکار دینی یا الهامات غیبی خود را در آنجا به دست آورده است و با این ترتیب دعوت‌های اولیه او نیز در این حوالی صورت گرفته و حدود اردبیل و دامنه‌های سبلان نخستین محل انتشار آن کیش باستانی بوده است.

مشیر الدوله، در تاریخ ایران باستانی، در مبحث مربوط به زندگانی زردشت چنین گوید «... در سن سی سالگی در کنار رود «دائی‌تی‌یا» به او یعنی زردشت امر شد که مردم را به خداشناسی دعوت کند و آنگاه اضافه می‌نماید که «بعضی از علما تصور می‌کنند که رود مزبور ارس امروز» است. وجه تسمیه «مغان» به عقیده جمعی از محققین، بدان جهت است که سالی یکبار پیشوایان آئین زردشت در آنجا گرد می‌آمدند و به تعبیر جامعه امروزی، در باب مسائل دینی سمینارهایی ترتیب می‌دادند. چون معمولاً سمینارهای دینی در جوار مقدس‌ترین امکنه هر مذهب تشکیل می‌شود ترتیب اجتماعات مذهبی موبدان زردشتی در این سامان می‌تواند دلیل آن باشد که اردبیل و سبلان از نقاط بسیار مقدس دین باستانی ایران به شمار می‌آمده و احیاناً محل بعثت و دعوت اولیه پیشوای آن بوده است و در نتیجه در نظر پیشوایان بزرگ آن کیش دارای چنین قداست و حرمتی گشته است.

کسانی که آتشکده‌های بزرگ زردشتی را در شیز و فارس و خراسان دلیلی بر تعلق زردشت بدان نواحی می‌دانند شاید کمتر بدین مطلب توجه نموده‌اند که این معابد بیشتر در زمانی بوجود آمده است که پادشاهان ساسانی، بعد از قرن‌ها حکومت اشکانیان، به رواج مجدد آن دین همت گماشته و برای جلب حمایت مغها و تحبیب مردم، آنرا کیش رسمی ایران قرار داده‌اند. چنان‌که کلیساهای بزرگ عیسوی نیز بعد از خود حضرت مسیح (ع) به وجود آمد و در روم و استانبول و نقاط دیگری که خیلی دورتر از مولد و

محل بعثت او بودند احداث شد، همچنانکه مساجد بزرگ اسلامی نیز بعد از رحلت حضرت محمد (ص) و در نقاط دورتر از شهر مکه، که محل تولد و بعثت آن حضرت بود، بنا گردید.

ابوریحان بیرونی، که در قرن چهارم هجری یعنی هزار سال نزدیکتر از ما به زمان زردشت زندگی می کرد، در «آثار الباقیه عن القرون الخالیه» زادگاه زردشت را در دشت مغان ذکر نموده و مؤلف کتاب «تاریخ اردبیل و دانشمندان» که این قول را آورده این بیان را نیز از بندهش نقل کرده است که «زردشت در سواحل رود درج متولد شده» و در توضیح آن نوشته است که «رودخانه درج یا درجا را می توان رودخانه دریای کنونی دانست. (این رود امروز از کوه ساوالان آذربایجان سرچشمه گرفته و به ارس داخل می شود) (موسوی اردبیلی نجفی، ۱۳۴۷: ۸۷). این توضیح خیلی نزدیک بقول شادروان مشیر الدوله در کتاب ایران باستانی است که در آن، محل بعثت زردشت را ساحل رود «دائی تی یا» می داند.

مطالب دیگری نیز می تواند قرائن و اماراتی بر این نظر باشد از جمله اعتقاد به مقدس بودن قله سبلان در بین مردم است. توضیح آنکه سکنه اردبیل، به خصوص ساکنان دهستان های اطراف سبلان، اعتقاد دارند که یکی از انبیاء در آنجا مدفون است و گاهی بعضی از آنان به قصد زیارت زحمت صعود بر آن قله را نیز تحمل می نمایند. این عقیده مربوط به عصر ما نیست بلکه از ازمینه بسیار قدیم شایع است و مورخان نیز در آثار خود بدان اشاره کرده اند، چنانکه «زبیدی» در «تاج العروس فی شرح القاموس» گفته است «آن کوه از معالم صالحین و اماکن متبرکه و مزارات است» (موسوی اردبیلی نجفی، ۱۳۴۷: ۸۹). و نویسندگان دیگر نیز بدان اشاره کرده نوشته اند که مردم به زیارت آن می روند.

## ۲-۴-مختصری از تاریخ اردبیل

### ۲-۴-۱-حمله اعراب به آذربایجان و سقوط اردبیل

بزرگترین واقعه تاریخی اردبیل، بعد از شکست ایرانیان در جنگ با اعراب، حمله مسلمین به

آذربایجان است. بطوریکه تاریخ نویسان آورده اند در این دوره اردبیل مرکز آذربایجان و مقر مرزبان این

Family name: Esmi	Name: Roya
Title of Thesis: Rooting and studying the distribution of holy old men in Ardabil province; with emphasis on structural spaces	
Supervisor: Habib Shahbazi Shiran (Ph.D)	
Advisors: Hojjat Aleslam val Muslemin Saifullah Modabber (Ph. D), Hussein Novin (Ph. D)	
Graduate Degree M.A.	Major: Archaeology
Specialty: General	University: <b>Mohaghegh Ardabili</b>
Faculty: Faculty of Literature and Human Sciences	
Graduation Date: February 19, 2017	Number of Pages: 162
<p><b>Abstract:</b></p> <p>The influence of the various religious ideas in the history of Iranian culture is not hidden for anyone. The presence of mystical thoughts has influenced various aspects of Iranian culture, which has affected Iranian art both in form and in content. Meanwhile, religious architecture which was formed at the same time as the emergence of mosques in urban places, has a great deal of importance in this regard. In Iran, like all other lands, the need to have religious spaces and places among relatives of different religions throughout history, it has been felt as a place for prayer. In every city and village there is a tombs built that is buried in terms of a religious place and on the other hand the deceased's grave. Some tombs have been made only for the mystic and Sufi person who have been respected among the people in that age. The various methods of making this tombs have been structurally influenced by various cultural and material factors, in keeping with the rituals and beliefs of the society. Ardabil is one of the provinces of Iran, due to its special position in the middle ages of the Islamic period, the center of Sufism and mysticism. The most important periods of the construction of the tombs of Ardabil region is the seventeenth and eighth century AH / thirteenth and fourteenth centuries. During this period, considering the centrality of the Ilkhanan regime in the Azerbaijan region and the special attention of the Mughal sultans to the mystics and Sufis elders, Ardabil region as one of the important centers of Sufism is of particular importance. Ardabil was the Safavid intellectual and religious base, and it was specially considered in this regard. In such a city with a remarkable position, scholars and Sufis, as well as other sections related to cultural affairs, should be active. Therefore, a number of scholars and elders of Azerbaijan are assigned to this city and this city is considered the main center of Sufism in Azerbaijan. The three above factors, namely, Ardabil, the flow of mysticism and Sufism and architecture, strengthened the thought of studying the buildings related to them in the writer's mind. The purpose of this study is to investigate and identify the religious and holy places of Ardabil from the perspective of the flow of mysticism and Sufism. In this regard, buildings such as the Sheikh Safi complex, which itself consists of several separate buildings, and other holy places of Ardabil province associated with the flow of mysticism and Sufism, along with other holy possibilities are structurally and as far as possible from the perspective of some decorations analyzed. The methodology in this study is a descriptive-analytic approach based on historical sources and archaeological data and library and field studies.</p>	
Key words: Ardabil, Gnosticism and Sufism, Holy old men, Tombs, Structural Distribution.	



**University of Mohaghegh Ardabili**  
**Faculty of Literature and Human Sciences**  
**Department of Archaeology and History**

**Thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of**  
**M.A. in Archaeology**

**Title:**

**Rooting and studying the distribution of holy old men in Ardabil province;**  
**with emphasis on structural spaces**

Supervisor:

**Habib Shahbazi Shiran (Ph. D)**

Advisors:

**Hojjat Aleslam val Muslim Saifullah Modaber (Ph. D)**

**Hussein Novin (Ph. D)**

By:

**Roya Esmi**

February- 2017